

Clay vessel evaluation criteria

معیارهای ارزیابی ظرف سفالی

Clay skills	The strength, balance, and surface finish of your clay vessel. استحکام، تعادل و پرداخت سطح ظرف سفالی شما.	مهارت های خاک رس
Quality of carving	The complexity, quality, fullness, and craft of the patterns and line drawing on your vessel. پیچیدگی، کیفیت، پر بودن و مهارت الگوها و خط کشی روی کشتی شما.	کیفیت کنده کاری
Daily clean-up habits	Cleaning your table and floor so it is clean and has no streaks. میز و کف خود را تمیز کنید تا تمیز و بدون رگه باشد.	عادات پاکسازی روزانه

واژگان برای ظرف سفالی

apron	a piece of cloth that you wear to protect your clothes from getting dirty. یک تکه پارچه که برای محافظت از لباس های خود از کثیف شدن می پوشید.	پیشبند
carving	scratching into clay to change its shape or to make a picture or pattern خراشیدن روی خاک رس برای تغییر شکل آن یا ایجاد یک تصویر یا الگو	کنده کاری
ceramic	a material that starts soft like clay, but then becomes very hard after it is cooked to a very high temperature ماده ای که مانند خاک رس نرم می شود، اما پس از پختن در دمای بسیار بالا بسیار سفت می شود	سرامیک
clay	a soft material used for making pots, bricks, and sculptures that becomes very hard when it is heated up. ماده ای نرم که برای ساخت گلدان، آجر و مجسمه استفاده می شود که با گرم شدن بسیار سخت می شود.	خاک رس
coil	a thin piece of clay that looks like a snake یک قطعه خاک رس نازک که شبیه مار است	سیم پیچ
earthenware	a kind of clay that is fired to a lower temperature and that needs to be glazed before becoming watertight نوعی خاک رس که در دمای پایین تری پخته می شود و قبل از اینکه آبگیر شود باید لعاب داده شود	سفال
foot	the bottom of a pot where it sits on a table ته دیگ جایی که روی میز می نشیند	پا
glaze	a material that you can paint onto ceramic that turns into glass when fired in a kiln ماده ای که می توانید آن را روی سرامیک رنگ کنید که با پختن در کوره به شیشه تبدیل می شود	لعاب
glazing	for clay: brushing on a paint-like layer to a pot that will later become a layer of glass; for painting: using very thin transparent layers of paint to change the colour برای خاک رس: برس زدن روی یک لایه رنگ مانند به گلدانی که بعداً به یک لایه شیشه تبدیل می شود. برای رنگ آمیزی: استفاده از لایه های شفاف بسیار نازک رنگ برای تغییر رنگ	لعاب دادن
handle	the part of something that is used to lift or carry it بخشی از چیزی که برای بلند کردن یا حمل آن استفاده می شود	رسیدگی

kiln	an oven used to heat up clay enough to become a hard ceramic کوره ای که برای گرم کردن خاک رس به اندازه کافی برای تبدیل شدن به یک سرامیک سخت استفاده می شود	کوره
lid	the top of a pot that you can take off بالای گلدانی که می توانید آن را بردارید	درب
lip	the top edge of a pot لبه بالایی یک گلدان	لب
paddling	hitting clay with wood to make it stronger, smoother, and a better shape با چوب به خاک رس بزنید تا محکم تر، صاف تر و شکل بهتری پیدا کند	دست و پا زدن
pattern	a drawing that repeats in a beautiful way نقاشی که به شیوه ای زیبا تکرار می شود	الگو
pinch	squeezing something between your thumb and finger فشار دادن چیزی بین شست و انگشت	خرج کردن
rib	a piece of silicone or wood used to smoothly shape some clay یک تکه سیلیکون یا چوب که برای شکل دادن صاف مقداری خاک رس استفاده می شود	دنده
score	carve Xs or parallel lines to help join clay together with slip Xs یا خطوط موازی را برای کمک به اتصال خاک رس به یکدیگر با لغزش حک کنید	نمره
scraper	a piece of thin metal or plastic used to shave off thin pieces of clay یک تکه فلز یا پلاستیک نازک که برای تراشیدن قطعات نازک خاک رس استفاده می شود	خراشنده
scribe	mark an even and straight line یک خط صاف و مستقیم را علامت بزنید	کاتب
shave	scrape bumps and fuzz from the surface of something تراشیدن برآمدگی ها و خراشیدن از سطح چیزی	تراشیدن
slip	a liquid clay that you can use like glue to attach things together, or paint onto your clay to change its colour یک خاک رس مایع که می توانید از آن مانند چسب برای چسباندن چیزها به یکدیگر استفاده کنید یا روی خاک رس خود رنگ کنید تا رنگ آن تغییر کند.	لیز خوردن
stretch	pulling something to make it longer کشیدن چیزی برای طولانی شدن آن	کش آمدن
terracotta	an unglazed reddish-brown earthenware clay خاک رس سفالی قهوه ای مایل به قرمز بدون لعاب	سفالین
transfer	to move or copy something جابجایی یا کپی کردن چیزی	انتقال
trim	remove extra clay with a tool خاک رس اضافی را با ابزار پاک کنید	کوتاه کردن